عکس از: رضا معطریان / ایران ورزشی

دربی ۵۰ - ۵۰

این یک دربی متعادل بود. نبردی که همه چیز در آن به تساوی تقسیم شد تا در پایان نتیجه ۲-۲ آینه نمای واقعی این بازی باشد. در دربی ۹۲ وسط زمین برای استقلال بود و کانال‌های کناری برای پرسپولیس. مالکیت نیمه نخست برای استقلال و مالکیت نیمه دوم از آن پرسپولیس شد. هر تیم آن چیزی که تبحر داشت را ارائه داد و از همان تخصص خود به نتیجه رسید. پرونده امروز این دربی و انگاره‌های آن را واکاوی می‌کند.

این بازی نباید مساوی می‌شد

سوپرسنتی دربی

جلال چراغپور

۱

در درجه اول اگر بخواهم روی این دربی یک اسم بگذارم آن را «سوپر سنتی دربی» می‌نامم. در مجموع بازی گرمی بود. گرمی‌اش به خاطر حساسیت‌هایی بود که از خیلی قدیم‌ها روی این بازی وجود دارد. نوع بازی هم دوست‌داشتنی، گرم و کم خطا بود. هر ۲ تیم همه تلاش‌شان را کردند که فوتبال بازی کنند و همه نفرات هم به دنبال این بودند که بازی خوب خودشان را انجام دهند. کسی به دنبال ضدفوتبال و ایجاد مزاحمت شدید نبود که در کلِ فوتبال سنتی خوبی شد. از داده‌هایی که ۲ مربی کار کردند، کاملاً دور شدند.

استقلال از استراماچونی دور شد و پرسپولیس آزادانه‌تر بازی می‌کرد. البته استقلال سرعت تیمی‌اش را حفظ کرد اما جابه‌جایی پستی داشت. پرسپولیس هم از تفکرات مربی قبلی به کلی رها شده بود و سرعت بازی کم شد. خیلی مکث می‌کردند و با دروازه‌بان بازی زیادی داشتند.

انتقال‌های بلند زیاد بود و جابه‌جایی‌های پستی بی‌دلیل داشتند. بخصوص وحید امیری که همه جا سرکشی می‌کرد. این پرسپولیس از دوران برانکو به شدت دور شد و دیگر از آن بازی‌های کوچک کنار زمین خبری نبود و بیشتر سعی می‌کردند، انفرادی کار کنند که همین مسأله بی‌نظمی به وجود آورد.

به نسبت زمان برانکو این تیم تغییرات زیادی داشت اما به نسبت زمان کالدرون فقط ۱۵، ۲۰ درصد تغییر در نظم تیمی داشت و از این لحاظ ضعیف‌تر شد.

از آن طرف این بازی نباید مساوی می‌شد. اگر قائدی عوض نمی‌شد، بازی مساوی هم نمی‌شد. با تعویض قائدی یک سیگنال برای پرسپولیس به وجود آمد که از ضدحمله نترسند. اگر قائدی بود، پرسپولیس ۷، ۸ دقیقه مجبور بود هجوم همه جانبه بیاورد و این خوراک ضدحملات قائدی بود.

پس اگر قائدی بود، بازی ۲ بر ۲ نمی‌شد و شاید گل داشت اما آن گل روی ضدحمله رقم می‌خورد. اشتباه مجیدی باعث شد پرسپولیس ۷ نفره حمله کند. ۶ نفره در ۱۸ قدم بودند و ۴ نفره هم در ۵/۵ متر. هر کدام توپ را نمی‌زد، آن یکی می‌زد. کلاً پرسپولیس دفاع را رها کرد. به همین دلیل نباید بازیکن سرعتی را بیرون می‌کشیدند. به جای او هم یک بازیکن متوسط دفاعی گذاشتند. اگر یک دفاع وسط تمام و کمال هم می‌آوردند باز هم شرایط فرق می‌کرد.

نبود شیخ دیاباته با حضور ارسلان مطهری اصلاً احساس نمی‌شد. سمت راست پرسپولیس خیلی باز بود. گل اول مطهری روی حادثه بود چون بازیکن دیگری آمد شوت بزند و پاس نداد اما چون توپ کج بود، مطهری آن را زد. وگرنه پاسی در کار نبود و شوت کاملاً با تمام قدرت زده شد. گل دوم هم روی شکاف دفاع به وجود آمد.

در مورد گل‌ها باید بگویم هر ۲ تیم در دفاع کناره‌ها اشکال داشتند. هر ۲ گل پرسپولیس از کناره‌های راست بود و دیر می‌رسیدند.

اگر بین مدافعان پرسپولیس و قائدی کورس می‌گذاشتند شاید سرعت‌شان فرقی با هم نداشت اما دفاع دیر می‌رسید و مهاجم توپ را استپ می‌کرد و ابتکار عمل وارد بازی می‌کرد. از آن طرف شاهد جنگ تمام عیار بین وحید امیری و وریا غفوری بودیم که Don't Game یا همان «بازی نشود» بین راست پرسپولیس و چپ آنها به وجود آمد. بین وریا و امیری هم ۴، ۵ خطای ۲ طرفه انجام شد.

نوع بازی هم دوست‌داشتنی، گرم و کم خطا بود. هر ۲ تیم همه تلاش‌شان را کردند که فوتبال بازی کنند

در رابطه با داوری هم باید نکته بگویم.

البته می‌گویند نباید در این مورد دخالت کنیم اما چرا نباید بگوییم وقتی می‌بینیم همیشه اتفاق می‌افتد؟ در این بازی در اوج سلیقه سوت زده می‌شد و بنا به مکان و زمان، قضاوت فرق می‌کرد. داور باید قضاوت کند، نه مدیریت اما این داور بنا به زمان و مکان خطا را سوت می‌زد. مکان خطا را داور انتخاب می‌کرد و حتی جهت توپ را.

کاش پای‌شان را از روی گلوی فوتبال بردارند

سلحشور و هیولای نامرئی

حمید سلیمی

۲

یک/ از سرکوب سرسختانه هیجان دربی، قرار است چه بهره‌ای ببریم؟ این سؤالی است که در سال‌های اخیر بی‌وقفه در ذهن طرفداران می‌چرخد. به همین بازی آخر نگاه کنید، جنگی فنی، بی‌حاشیه و جذاب داخل زمین که شاید باکیفیت‌ترین بازی لیگ امسال تا اینجا باشد. کری‌خوانی علیپور، شادی جذاب قائدی بعد از خروج از زمین، تنه‌ها و تکل‌ها و داغ شدن تنور رقابت چه نتیجه‌ای جز حظ مضاعف داشت؟ چرا بلیت‌فروشی طوری انجام می‌شود که لذت کامل نشود؟ حیف این بازی نبود که با سکوهای خالی انجام شود؟

دو/ تمام لیگ پشت سر آبی‌های تهران بودند. دیگر همه از پرسپولیس خسته شده‌اند و طعنه‌ها و وصله‌ها هم دیگر سبک‌شان نمی‌کند. سرخ‌ها با هر چالشی روبه‌رو می‌شوند، از آن به سلامت عبور می‌کنند، طوری که انگار روئین‌تن شده‌اند. برنده همیشه تنهاست و منفور بازنده‌ها. عجیب نیست که در کشور بازنده‌ها، تیمی که دائم بالانشین است چنین مورد تهاجم باشد. هیچ‌کس هم دوست ندارد درباره خطایی که منجر به گل اول استقلال شد و اصلاً خطا نبود، حرف بزند.

سه/ قصه هولناک کتک خوردن عارف غلامی و سیاوش یزدانی دو بازیکن مصدوم استقلال، بار دیگر هشدارهای سال‌ها پیش صفایی فراهانی را به یاد می‌آورد که معتقد بود فوتبال، پلیس خودش را می‌خواهد. کاش به جای این لیدرهای سیاست‌زده بدنام، کانون‌های هواداری می‌توانستند مسئولیت تأمین امنیت استادیوم را به عهده بگیرند، چیزی شبیه لیگ برتر انگلستان. چه رویاهایی دارم من!

چهار/ دربی ویترین فوتبال ماست. از رونق انداختن دربی، کم کردن حرارتش روی سکو و داخل میدان، بی‌اهمیت نشان دادنش دستاوردی جز ضرر ندارد. دربی باید پرحاشیه و پر از رقابت باشد تا فوتبال نیمه‌جان ما بیش از این از چشم طرفدار نیفتد. فوتبالی که تیم ملی را یک سال بعد از کارلوس کی‌روش، به مربی‌ای سپرده که اوج کارنامه‌اش به پایان بردن یک نیم فصل در رتبه چهارم جدول لیگ با نفت آبادان است! مرگ دربی به نفع هیچ‌کس نیست، کاش پای‌شان را از روی گلوی فوتبال بردارند.

دربی ویترین فوتبال ماست. مرگ دربی به نفع هیچ‌کس نیست، کاش پای‌شان را از روی گلوی فوتبال بردارند